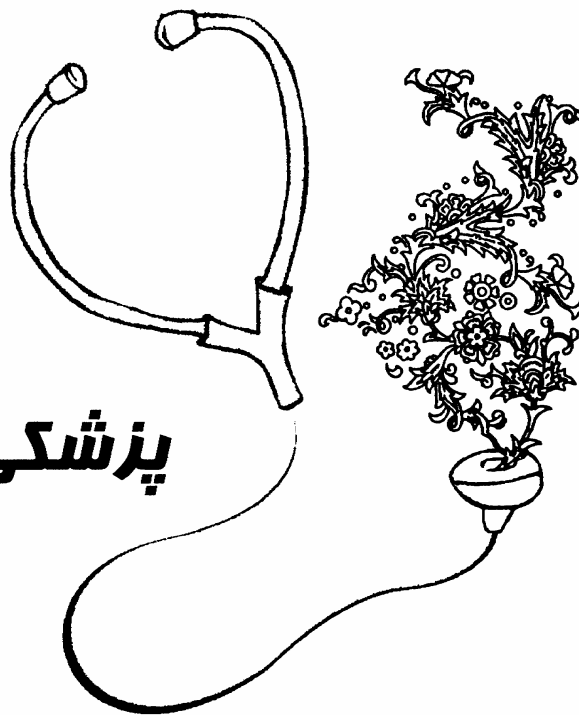


پزشکی و ادبیات



مقدمه

همکار خوبمان آقای دکتر سعید مجتهدزاده که شعرهایی را از ایشان در همین ستون منتشر کرده‌ایم، اخیراً دو شعر زیبا درباره «حج» و «مدینه منوره» برایمان ارسال کرده‌اند که به دلیل تازگی این دو موضوع در تمام زمان‌ها، اقدام به چاپ آنها می‌کنیم. امید آن داریم که دیگر عزیزان که در این زمینه یا دیگر زمینه‌ها ذوق و استعدادی در خویش سراغ دارند، رازی را از آن محروم نساخته و کارهای ادبی شان را برای درج در این صفحه برایمان ارسال دارند. ضمناً همکار دیگرمان آقای «دکتر شهریار ابراهیمی» از

شهرستان «روانسر» در سربرگ مطب خود نامه‌ای همراه با یک شعر ارسال داشته‌اند که ضمن تشکر و قدردانی از این که رازی را از خودشان دانسته‌اند به اطلاعشان می‌رسانیم که شعر ایشان علیرغم محتوای خوب، فاقد نظم شعری بود که مناسب چاپ در رازی ندانستیم. امیدواریم که در آینده شاهد کارهای خوب و ادبی از ایشان برای درج در این صفحه باشیم. شعرهای آقای دکتر سعید مجتهدزاده را با هم مرور می‌کنیم.

«سردبیر»

« ح ج »

حجتان مقبول باشد سعی تان مشکور باد
چشم بد از زندگیتان هر زمانی دور باد
چونکه حاجی گشته‌ای فرمان حق را برده‌ای
بر صفاره یافتی از آب زمزم خورده‌ای
عشق را معنا نمودی بر حرا بالا شدی
بر حجر سر سوده‌ای گم بوده‌ای پیدا شدی
بر طواف کعبه رفتی روز و شب لبیک گو
راه ابراهیم را بر خود نمودی رنگ و بو
مهبط وحی خدا را بوسه دادی بارها
همچو نی پران شدی در مزرع نیزارها
چون رسی صحرائ عرفان معرفت بینی و بس
تا کنون بیرون نرفته زان محل ناپاک کس
سوی مشعر با شعورت در منا با عشق و شور
کوچک و ناچیز گردیدی شدی کمتر ز مور
بعد از آن ره را گرفتی سوی پیغمبر شدی
شاکر حق بر وجود این چنین رهبر شدی
حال برگشتی ز کعبه در دیار و شهر خود
حال آوردی تو نیکو هدیه‌هایی بهر خود
حال باید فرق‌ها بنموده باشی با قدیم
حال باید با خدا گردیده باشی تو ندیم
حال حرص و آز را از خود برون کن حاجیا
حال سوی معرفت با عشق سرشاری بیا
رو سعیدا از خدا توفیق رحمت خواه و بس
خوب بشنو می‌رسد بر گوش جان بانگ جرس

دکتر سعید مجتهدزاده

بیاد مدینه منوره

دل انسان شود پاک از مدینه
رود اندوه و غم یک جان سینه
مدینه شهر عشق و علم و ایمان
مدینه شهر اوج روح انسان
مدینه شهر پیغمبر چه زیباست
پیام حق ز هر کوشش هویداست
مدینه شهر هجرت شهر غیرت
مدینه شهر آکنده ز نعمت
مدینه از رسول حق دهد یاد
ز یاد و نام پیغمبر شوی شاد
دهد بوی ابوذر را مدینه
نماید راه حیدر را مدینه
گذاری سر به جای پای سلمان
بقیع و تربت پاک عزیزان
روی در مهبط وحی الهی
به ماه اندر شوی از قعر چاهی
مدینه مشهد پاک بلال است
بزن بر سر که این خاک بلال است
مدینه شاهد بدر است و احزاب
که جنگیدند در صحرای بی آب
مدینه در احد فریادها زد
به خونخواهی حمزه دادها زد
مدینه صاحب ذوقبلتین است
که دارای دو قبله چون دو عین است
قبا را یاد کن حاجی در اینجا
که پیغمبر نمودش نیک بر پا
به خندق هفت مسجد را بینی
نبینی بهتر از اسلام دینی
سعیدا رو دعای خیر بنما
که اینجا آسمان باز است بر ما

دکتر سعید مجتهد زاده